

فرهنگ

شماره ۳ و ۴ خرداد - تبر ماه ۱۴۰۵ - صفحه ۷۷

در اطراف پیدایش انسان

سرحدات چیست؟ ما از کجا می‌آئیم؟

پیدایش انسانی که خود را اشرف مخلوقات می‌خواند از چه

طریقی بوقوع پیوسته؟

به این سوالات است که ما می‌خواهیم در زیر تا حدی که
مقدور است و گنجایش این مجله اجازه می‌دهد جواب دهیم . -
ما بترتیب عقاید مختلفی را که در این موضوع مهم (موضوعی
که جهت نسل منور جدید تقریباً حل و روشن شده است) اظهار
گشته است ذکر میکنیم . -

در ۲۲ فوریه سال ۱۸۳۰ همان وقتی که اشراف اروپا عموماً و

فرانسه خصوصاً نزدیکی امواج تهدید کننده شورش زحمتکشانشان را

برای العین مشاهده میکردند ، يك مناقشه جزئی بین دو عضو آکادمی
(دارالعلم) پاریس بوقوع پیوست . -

این مباحثه بود که بین کوویه Cuvier و ژو فروی سنت هیلر
Geoffroy Saint - Hilaire بعمل آمده و بعد ها دامنه آن
وسیع تر شده اختلاف نظر راجع بهمان مبحثی بود که امروز در
این مقاله ما را مشغول میدارد : - یعنی در خصوص خلقت و پیدایش

انسان و موجودات حیه (یا آلی) .

کوویه Cuvier با وجود اینکه در علم تاریخ طبیعی خدمات
شایان تمجیدی کرده و اکتشافات و تجسسات قابل ملاحظه بعمل
آورده بود ، در موضوع خلقت از اصول قدیمه و پیدایش ناگهانی
انسان و موجودات آلیه طرفداری میکردند . -

سنت هیلر Saint - Hilaire برعکس ، چنین عقیده داشت که
انسان و تمام انواع موجودات آلی کنونی (از حیوان و نبات)
نتیجه تفریقاتی هستند که بتدریج بواسطه لزوم تطابق با محیط متغیر
در موجودات حیه بظهور رسیده و بهبارت دیگر موجودات زنده
نسبتاً متکامل امروزی از موجودات ناقص تری پیدا شده اند و حالا
هم در حال تغییر و تکاملند .

• کوویه • که در علوم طبیعی تبهر بسزائی داشته و کلامش
 مسموع و مقبول عامه فضلا و علمای آن عصر بود به مقبولیت و وجهه
 علمی و اطلاعات مبسوطی که داشت تکیه کرده و ظاهراً • سنت • یلار •
 را که با وجود صحت عقیده اش در قبال • کوویه • غیر معروف
 و دلایل مثبت جهت اثبات عقیده خود کمتر داشت، مغلوب کرد .
 انسان از همان روز هائیکه از دایره حیوانیت پا بمرحله تمدن
 گذاشته و شروع بتفکر گرد ، در صدد تفتیش و تفحص و کشف
 اصل و منشأ پیدایش خویش بر آمد . -

ما در اینجا از افکار و عقاید کودکان و عجیب و غریبی که
 انسان بدوی راجع به این موضوع داشت و امروز در میان بعضی از
 قبایل عقب افتاده و وحشی نمونه از آن دید، میشود سخن نمیگوئیم
 و فقط تذکر میدهیم ؛ تمام عقایدی که در این خصوص اظهار شده است
 به دو دسته منقسم میگردد :

۱ - عقایدی که يك ملت ماوراء طبیعی را سبب خلقت انسان

میدانند . -

۲ - عقایدی که پیدایش انسان را از طریق طبیعی و نتیجه تکامل

از درجات پست تر بدرجات بالانتر می پندارند . -

مبارزه مابین صاحبان این دو عقیده از دیر زمانی شروع شده بود -
باید خاطر نشان شود ؛ عقیده اول که مداخله علت ما فوق طبیعی را
در پیدایش انسان لازم میداند منتسب به دوره کودکی فکری بشر
ولزوماً قدیم تر است . این دو فکر در هر عصر وزمانی مدافع و
مخالفی داشته اند که دایم باهم در مبارزه بودند .

جاسه ۲۲ فوریه سال ۱۸۳۰ دار العالم فرانسه و مباحثه ما بین
« کوویه » و « سنت هیلر » ، که در بالا ذکر کردیم ،
یکی از مراحل قطعی این مبارزه بوده است ، در قرن نوزدهم ؛ قرنی
که تمام نشد مگر با پیروزی تام و تمام صاحبان عقیده تکامل Evolution

اینک تاریخ این مبارزه !
در میان نقاید منتشره در زمان راجع به خلقت چنانچه گفتیم اعتقاد
به پیدایش انسان بوسیله یک قوه ما فوق طبیعی قدیم تر است و این
عقیده در اولین « کتاب آسمانی » موحدین ، یعنی « توریه » بطریق
ذیل تدوین شده است .

« توریه » دنیا را نتیجه زحمت شش روزه خالق میداند . به
این طریق که :

« اول خداوند آسمان ها و زمین را آفرید . »

• زمین بی شکل و خالی بود و همه جا ظلمت حکم فرما .
 • خداوند گفت روشنایی بوجود آید و بوجود آمد .
 • بعد خداوند دید که روشنایی خوب است .
 • و از آنجهت روشنایی را از ظلمت جدا کرد .
 • خداوند روشنایی را روز و ظلمت را شب نام نهاد .
 • این روز اول بود .
 • خداوند گفت که ما بین آنها فضائی باشد از آب جدا .

• پس خدا فضا را خلق کرد و آبهای را که در زیر فضا بود با آبهای که در بالای فضا بود جدا نمود .
 • پس خداوند فضا را آسمان نام نهاد .

• پس در این روز سوم بود .

• بعد خداوند گفت که آبها جمع شده و خشکی پدیدار شود .
 • و همینطور شد . خداوند خشکی را زمین و آبها را دریا نام نهاد و دید که هر چه کرده است نیکو است .

• بعد خداوند گفت که زمین نباتات تخم دار و درخت های با ثمر بر وی باند که هر يك میوه داشته و تخم خود را هم با خود داشته باشند . همینطور هم شد و خدا دید که این نیکو است .

• این روز سوم بود .

بعد خداوند گفت که در فضای آسمان ها مشعل هائی روشن شود تا روز را از شب جدا و علامت فصول و ایام و سال ها باشد .
خداوند دو مشعل بزرگ درست کرد . آن که بزرگتر بود برای اینک که در روز حکمفرما باشد و آنکه کوچک تر بود در شب .
او هم چنین ستارگان را آفرید .

و خداوند آنها را در آسمان نصب کرد که زمین را روشن کنند و در روز و شب حکمفرما بوده و روشنی را از ظلمت جدا سازند . خداوند دید که این خوب است .

• این روز چهارم بود •

بعد خدا گفت که آنها بعد و فور حیوانات گوناگون بوجود آورند که متحرك و دارای حیات باشند و پرنندگان از روی زمین بطرف آسمان پرواز کنند و خداوند دید که این نیکو است .
پس خداوند ایشان را آموزش کرده و گفت : • نمو کنید و زیاد شوید و آبهای دریا را پر کنید و پرند ها هم در روی زمین زیاد بشوند •

• این روز پنجم بود •

بعد خداوند گفت که زمین انواع حیوانات زنده و حیوانات

اهلی (!) و خزندگان و جانورهای دیگر بوجود آورد .
این طور هم شد . پس خدا انواع جانورهای زمینی و حیوانات
اهلی و خزندگان را بوجود آورد .

بعد خدا گفت : انسان را باید به صورت خود خلق کنیم تا به
ماهیان دریا و پرندگان آسمان و حیوانات اهلی و بروی تمام
زمین و تمام حیواناتی که در روی زمین میخزند حکمفرمایی کند .

پس خداوند انسان را بصورت خود خلق کرد . یعنی بصورت
خداوند . انسان ماده و انسان نر خلق کرد . پس خدا ایشانرا
آمرزیده و گفت : نمو کنید و زیاد شوید و زمین را پر کنید

و بتخت اختیار خود دریا آورد و بر ماهیان دریا و پرندگان
آسمان و تمام جانورانی که در روی زمین نامی جنبند استیلا یابد .

خداوند گفت : من بشما تمام علف های تخم دار روی زمین
را عنایت کردم و همچنین تمام درختهایی که میوه داشته و در میوه
آنها تخمی باشد و شما از آن تغذیه خواهید کرد و اما تمام

علف های سبز را من به تمام جانوران، زمین و پرندگان آسمان
و هر چیزی که حیات داشته و در روی زمین می جنبند عنایت
کرده ام که از آن تغذیه نکنند . این طور هم شد . خداوند

دیدند که مکرده هایش خیلی خوب است.

شود تا روز را سازد و در این روز ششم بود.

خداوند خود مشغول کرد و در این روز هفتم بود.

این نقل قول از توره و قدری طولانی شد.

و خیلی لازم بود زیرا که عبارات فوق در کتب عامه است.

که به پیدایش انسان و موجودات زنده دیگر، در نتیجه مدخله

بیک گروه ماوراء طبیعت معتقد هستند، و از جانب دیگر باید در نظر

ا گرفت که توره و ما در کتب آسمانی است.

ما اینجا چنانچه در آغاز مقاله نوشتیم فقط به ذکر عقاید

مختلف می که در موضوع خلقت اظهار شده است اکتفا خواهیم

کرد. ولی در جمع التاسف در عبارات فوق که از توره آ

استخراج شده اختلافات و ضد و نقیض های فاحشی مشاهده میشود

که همیشه به خوانموشی گذراند و مجملات اشاره به آنها میکنیم.

اولا اشاره شده است که خداوند روز اول روشنایی را آفرید.

در صورتیکه روشنایی (نور) بدون جسم منیر موضوع خارجی نمیتواند

داشت و نور بیفصل چیزی نیست.

از طرفی اشاره شده است که روز اول خداوند آسمانها و زمین را آفرید.

و دو باره در روز دوم هم دیده می شود که خداوند آسمان بوجود

می آورد - این اختلافی است که هیچ طورا نمیتوان تفسیر نمود.

۳ - روز چهارم آفتاب خلق شده ، در صورتیکه نباتات بقول

توریه ، در روز سیم بوجود آمده اند و این حادثه یعنی پیدایش

و نمو نباتات بدون آفتاب ممکن نیست . در عین حال باید تذکر

داده شود که طرفداران ، امروزی توریه ، که با دلایل تازه

از عقاید کهنه طرفداری میکنند ، میگویند که هر روز ،

مذکوره در توریه ، یک دوره بزرگی از حیات کره زمین است

که در این کتاب آسمانی بطور ابهام به آن اشاره شده است .

۴ - ستاره شناسی یکی از دقیق ترین علوم امروزم است و ثابت

میکند که آفتاب قبل از زمین و زمین قبل از قمر وجود داشته

و این حقیقت برخلاف میل علاقه مندان ، نوشتجات توریه ، را

(که پیدایش آفتاب را بعد از زمین قرار داده است) تکذیب

میکند .

۵ - روز چهارم باز هم توریه ، یگمرتبه نور را از ظلمت

جدا میکند ، در صورتیکه این امر را در روز اول انجام داده است .

۶ - در روز ششم ذکر شده است که خداوند آدم را از

مشتی خك و حوا را از بهاوی آدم آفرید .
 تمام کردن آدم و اخراج او را از بهشت همه میداند . خیلی
 شایان توجه است که قایل قاتل (باز هم بموجب نوشته توریة)
 به مملکت خود فرار میکند و در آنجا زنی میگیرد و شهری
 می سازد و آن زن پسری میزاید (سفر پیدایش فصل ۴ آیه ۱۷)
 اینجا ما می بینیم که پسر آدم (انسان اولیه) به مملکت اجنبی
 فرار کرده و در آنجا زنی را ازدواج و عائله درست میکند
 و شهری میسازد . البته برای ساختن شهر عملیات و بازو های
 زیادی لازم است که در آن سر زمین دور دست یافت میشد و
 در صورت غیر این بنای شهر ممکن نبود . این هم يك اختلاف
 « تاسف آور ، دیگر « توریة » است در قسمت « سفر پیدایش »
 در اینجا خلاف آنچه را که قبلا در « توریة » دیده میشود ثابت
 گشته و مبرهن میگردد که آدم و حوا انسان های اولیه نبوده اند
 و عبارت دیگر « توریة » « توریة » را تکذیب میکند .

۷ - موضوع تعجب آور دیگر در فصل ششم - آیه هفتم سفر

پیدایش است . که از قول خداوند مینویسد : « من تمام انسان
 هائی را که خلق کرده ام از روی زمین معدوم خواهم کرد -

تمام انسان ها و دواب را و تمام موجودات خزننده و حتی پرندگان

آسمان را زیبا که من از خلقت آنها پشیمان شده ام . »

در اینجا « توریة » (ما در کتب آسمانی) قدر و منزلت

خداوند را تا درجه يك انسان عاصی ساده که از کرده خود پشیمان

میشود و خشمناک میگردد ، تنزل میدهد (؛ !) اینها هستند اختلافات

مهمی که در سفر پیدایش (« توریة ») مشاهده میشود .

تا اواسط قرن نوزدهم ، قسمت بزرگی از دنیای متمدن ،

عقیده داشت که پیدایش « بشر » و سایر « انواع » موجوده همان

طوری صورت وقوع یافته است که در « توریة » مذکور است .

و این اعتقاد باوجود تمام اختلافات و اشتباهاتی بود که ما ذکر کردیم .

انکیز یسیون (جامعه تفتیش عقاید) و کتب انگلیسیها (قرون

وسطی بنام مدافعه از عقاید مدونه در « توریة » هزار ها نفر را زهر

هلاکت چشانید ، علما و متفکرین را که در نتیجه تجارب و

تجسسات خود کوچکترین لطمه به عقاید پر از اشتباه « توریة »

در موضوع خلقت وارد آوردند ، سوزانید .

ولی بتدریج اوضاع تغییر کرد - انکیز یسیون و بیانی اجتماعیش

از بین رفت و ترقی صنایع و علوم حقایق زنده را روی هم انباشت

که بالتمام با فصل « سفر پیدایش » توریه مغایرت داشت .
 اگر « توریه » اکتشافات محسوس علمی و تجربی چه بگویند ؟
 اگر اینها راست پس تکلیف « سفر پیدایش چیست ؟
 اینجا بود که شك و تردید پیدا شد و عقاید کهنه محافل علمی
 و افکار بسیاری از افراد توده را متزلزل و متشنج نمود .
 دوره رسید که کسی را دیگر محض اهراز عقاید شخصیش
 نسوزانند و تکفیر نمیکردند .

چنانچه کفتم در ۲۲ فوریه سال ۱۸۳۰ این موضوع در دارالعلم
 فرانسه طرح شد .

طرح اینموضوع در يك محفل علمی رسمی صلاحیت داری
 نل آکادمی فرانسه دو چیز را میسرآورد :

۱ - اختلاف مابین « توریه » و علوم و تجارب محسوسه مثبت
 بجائی رسیده که دیگر نمیتوان موضوع را مسکوت گذاشته و آنها
 را با هم آشتی داد .

۲ - در اروپا يك مبانی جدید اجتماعی بوجود آمده است
 که حل قضیه را ، غیر از آنطوری که جامعه تفتیش عقاید ، معمول
 میداشت مقدور نموده است . (۱)

(۱) در اینجا از کتاب « تاریخ پیدایش موجودات آلی »

ارنست هکل آلمانی . *Histoire de la création des êtres organisés* تألیف

یا داروین « *Moïse ou Darvins* » تألیف آرنول دودل

Arnold dodel استفاده شده است .

در این جلسه کوویه فاتح شد. اقتدار بی حد و حصر علمی.

نفوذ کلمه و وثیقت او کار خود را کرد. کرده بعد برای

کوویه را عقیده این بود که کره زمین معرض انقلابات بزرگی

(Catastrophe) واقع شده و در جریان هر یک از این تغییرات

تمام موجودات حیة (آلی) سابقه از میان رفته و سپس خالق

دو باره چاپ جدیدی از آنها را که « تصحیح » و « اضافه »

شده بود از چاپخانه خلقت « خارج کرد. »

این عقیده کوویه بر خلاف اکتشافات ذیقیمت و بکشر

هیچ بنیان علمی نداشته و دلایل و پراهمین او فقط میتوانست اعضای

آنوقت دارالعلم فرانسه را که اغلب « شتر ماب » بودند.

قانع کند. فکر کوویه تا سال ۱۸۵۹ میلادی که داروین انگلیسی

کتاب « اصل انواع » را منتشر نمود در میان علما حکمفرما بود.

کوویه بوسیله اکتشافات و منتشرات خویش اقتدار و نفوذ بزرگی

در محافل علمی بهم زده بود و همین سبب شد که مخالف مزبور سی سال

تمام اشتباهات او را هم قبول کرده و راه خطا پیمایند. (۷)

بقیه دارد ه . ج .

در صفحه قبل سطر دوم بجای « اگر توریة اکتشافات الفخ »

بخوانید : « اگر توریة راست میکوید اکتشافات الفخ »